

Abstract

Chapter 10 of the Islamic Penal Code approved in 1992 under the title "Punishment and preventive and educational measures for children and adolescents" deals with the issue of how to reform and rehabilitate delinquent children and adolescents. In this chapter, although a purely criminal approach is used in dealing with delinquent children, traces of internationally recognized principles can be seen in it. One of these principles is the principle of minimum deprivation of liberty in the field of criminal law for children and adolescents. The aforementioned law has explained methods that are very novel in Iran and has no legislative history, and in this way, it has tried to replace rehabilitation measures instead of deprivation of liberty, so that sending children and adolescents to correctional centers is the only way to rehabilitate them. is not considered Compliance with the principle of proportionality has also caused the new law to determine solutions based on the child's condition, which will lead to the correct understanding of society's values and norms in the best possible way. Provisional and educational measures instead of incarceration include a special protective approach towards this segment of society, which seeks to provide the best interests of children and adolescents.

Key words: children and teenagers in conflict with the law, rehabilitation, protective and educational measures

جایگزین‌های مجازات سالب آزادی کودکان و نوجوانان معارض با قانون در پرتو اسناد سازمان ملل متحد و قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

مهرناز کشاورزی نژاد^۱ - عسل عظیمیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

چکیده

فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با عنوان «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» به موضوع چگونگی اصلاح و بازپروری کودکان و نوجوان بزهکار پرداخته است. در این فصل هرچند که از یک رویکرد کیفری محض در برخورد با اطفال بزهکار استفاده شده، ولی می‌توان رد پای اصول شناخته شده بین‌المللی را در آن دید. یکی از همین اصول، اصل کمینه بودن اقدامات سالب آزادی در حوزه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان است. قانون موصوف روش‌هایی را تبیین کرده که در ایران بسیار بدیع بوده و سابقه تقنینی ندارد و از این طریق سعی در جایگزینی اقدامات بازپرورانه به جای مجازات سالب آزادی نموده است. به طوری که دیگر فرستادن کودکان و نوجوان به کانون‌های اصلاح و تربیت تنها روش برای باز سازگاری آنان محسوب نمی‌شود. رعایت اصل تناسب نیز باعث شده که در قانون جدید راهکارهایی بر اساس وضعیت طفل تعیین شود که به بهترین شکل ممکن به درک درست ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بینجامد. اقدامات تأمینی و تربیتی جایگزین حبس یک دربردارنده یک نگاه حمایتی ویژه نسبت به این قشر از جامعه است که درصدد تأمین منافع عالیه کودک و نوجوان است.

واژگان کلیدی: کودک و نوجوان معارض با قانون، بازپروری، اقدامات تأمینی و تربیتی

Mehrnaz.keshavarzinejad@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Avocate.ir@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرو، ایران

بزهکاری اطفال موضوعی قابل تأمل در هر جامعه محسوب می‌شود چراکه ظهور رفتارهای ناهنجار از سوی کودکان نشانه انحطاط اخلاقی است که اگر درمان و اصلاح نشود احتمالاً منجر به پرورش بزهکاران مزمن در آینده خواهد شد. برخورد دستگاه قضایی با این موضوع بسیار حساس بوده به طوری که در حوزه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار باید از سیاست افتراقی بهره جست به گونه‌ای که واکنش‌ها در مورد کودکان باید به طور کلی از واکنش‌های متخذه برای بزرگسالان جدا باشد؛ بنابراین همیشه محبوس کردن طفل در کانون‌های اصلاح و تربیت مناسب‌ترین راه نیست. کانون‌هایی که گاهی حتی دربندهای مجاور آن، زندان بزرگسالان قرار دارد و تنها به حبس طفل در یک چهارچوب فیزیکی می‌پردازد. کانون‌های اصلاح و تربیت در حالی به عنوان یک مجازات سالب آزادی برای اطفال در نظر گرفته می‌شوند که از لحاظ امکانات اولیه چون سالن غذاخوری، سالن ورزش، کلاس‌های تربیتی در فقر مطلق هستند. نوجوانان در این کانون‌ها پیوسته در حال انتقال تجارب بزهکاری خود به یکدیگر هستند. این در حالی است که آمارها بیانگر آن است که طفل آزادشده از کانون به اصلاح و پرورش نیافته‌اند بلکه به سمت بزهکار حرفه‌ای شدن قدم برداشته‌اند؛ بنابراین سیستم قضایی ایران پیرامون اعمال مجازات اطفال، با اعزام بی‌مطالعه و غیر کارشناسانه اطفال به سوی کانون‌ها نه تنها تخفیفی به حال آنان اعمال نمی‌کند، بلکه زمینه رشد اطفال در ورطه بزهکاری را مهیاتر می‌سازد. عدم استفاده از مجازات سالب آزادی برای کودکان و نوجوانان در درجه‌ای از اهمیت است که اسناد بین‌المللی پیرامون حقوق کودک به آن توجه ویژه داشته است. هرچند که در مورد کودکان تنها سند الزام‌آور کنوانسیون حقوق کودک محسوب می‌شود، اما نباید اسناد ارشادی حقوق کودک که صرفاً به صورت توصیه‌ای به کشورهای عضو هست را از نظر دور داشت. این اسناد همواره به صورت نقشه راه برای کشورهای عضو، منبع خوبی به شمار می‌آیند و در پیدایش یک عرف بین‌المللی می‌توانند تأثیرگذار باشند. در این اسناد اصل بر کمینه بودن اقدامات سالب آزادی در مورد کودکان است و مجازات سالب آزادی را به عنوان آخرین راه معرفی می‌کند؛ به عنوان مثال قواعد ریاض بر پایه همین اصل تأکید دارد که حبس طفل تنها در صورتی میسر است که امنیت جانی و روانی کودک در جامعه مورد تهدید واقع شده باشد. در حقوق کیفری ایران قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، جایگزین عینی و ملموسی برای مجازات سالب آزادی در حوزه حقوق کودک دیده نمی‌شد ولی قضات دادگاه‌ها بر پایه رهیافت‌های اسناد بین‌المللی اقدام به صدور حکم متناسب با وضع طفل می‌نمودند. خوشبختانه بعد از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۹۲ این مهم رنگ عملی به خود گرفت و اقدامات تأمینی و تربیتی نوینی که سابقه‌ای در قانون ما نداشته در سیاهه جایگزین‌های مجازات سالب آزادی در حوزه حقوق کودک جای گرفت. مقاله حاضر در صدد تطبیق آموزه‌های بین‌المللی در خصوص جایگزین‌های سالب آزادی برای کودکان و نوجوانان بزهکار و قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ است و اینکه قانون موصوف تا چه حد در جهت مقارن سازی با اهداف بین‌المللی قدم برداشته است و سؤال اصلی اینجاست که قوانین ایران تا چه حد ظرفیت همانندسازی با قواعد و سازوکارهای بین‌المللی را دارد؟ در این تحقیق و از روش تحقیق به صورت تحلیلی و شیوه جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ و در سه مبحث جداگانه انواع اقدامات تأمینی تربیتی جایگزین سالب آزادی را توضیح داده است این جایگزین‌ها شامل

جایگزین‌های رهایی‌ساز، جایگزین‌های بازپروانه و جایگزین‌های نابازپروانه است که در هر مبحث به جزئیات آن پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: جایگزین‌های رهایی‌ساز

این پاسخ‌ها شامل تعلیق، تعویق و تخفیف اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند.

گفتار اول: تعویق صدور حکم

مقرره‌ای که در قانون مجازات اسلامی تصریح گردیده مربوط به قابلیت تعویق برخی از احکام است. تعویق صدور حکم به این معناست که قاضی دادگاه پس از بررسی دلایل و مدارک موجود و احراز مجرمیت متهم، در صورت وجود شرایط و جهاتی، صدور حکم محکومیت مجرم را برای مدتی به تعویق می‌اندازد.

۱- اسناد بین‌المللی

گاهی رهایی‌سازی مجرمی که از کرده خود اظهار ندامت می‌کند می‌تواند بار تربیتی بیشتری داشته باشد، بنابراین طبق قواعد توکیو یکی از جایگزین‌های مناسب حبس می‌تواند تعویق صدور حکم باشد. از مهم اهداف قوانین کیفری سازگاری و انکس، با ماهیت جرم ارتكابی و شدت جرم و به‌علاوه شخصیت مجرم است، بنابراین برای رسیدن به این هدف باید در مرحله قبل از محاکمه، شاهد تنوع تدابیر غیر بازداشتی باشیم^۳ که تعویق صدور حکم یکی از تدابیر است. به‌عبارت‌دیگر بعد از احراز مجرمیت، قاضی دادگاه از محاکمه و صدور حکم دست می‌کشد، به این امید که اثر بیشتری در بازسازگاری طفل داشته باشد.

۲- قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۹۴ قانون فوق‌الاشعار در خصوص اطفال بزهکار می‌توان از نهاد تعویق بهره جست. طبق ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی تعویق دارای دو گونه است، ساده و مراقبتی. در خصوص گونه نخست باید گفت که کودک بدون متعهد شدن به انجام دستورات قضایی، از مزایای تعویق صدور حکم بهره‌مند می‌شوند؛ اما در تعویق مراقبتی کودک یا نوجوان بزهکار متعهد می‌شود برخی از دستورات قاضی را به‌جا بیاورد؛ اما استفاده از نهاد تعویق دارای شرایطی است که ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره داشته است که در زیر بررسی می‌شود:

۱- تعزیری بودن جرم: هرچند ماده ۹۴ قانون اشاره به این امر داشته که فقط در مورد جرائم تعزیری می‌توان از نهاد تعویق استفاده کرد، اما با واکاوی مواد قانون، ابهاماتی در خصوص تعویق پذیر بودن جرائم حد و قصاص به ذهن متبادر می‌شود. طبق ماده ۹۱ قانون مذکور، «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن

³. Tokyo Rules, Article 2-3.

آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». شاید در نگاه اول به ذهن متبادر شود که در خصوص جرائم حد یا قصاص ارتكابی توسط نوجوانان یا کودکان، امکان استفاده از نهاد تعویق وجود داشته باشد. آنچه در خصوص تعویق صدور حکم در قانون مجازات گفته شده این معنا را می‌رساند که هدف غایی از تعویق، رهایی سازی مجرم از مجازات است که طبق ماده ۹۱ در مورد جرائم حد و یا قصاص، کودک یا نوجوان از زیر بار مجازات یا ضمانت اجرا رهایی نمی‌یابند، بلکه به جای مجازات رایج در خصوص این گونه جرائم، اقدامات تأمینی و تربیتی با توجه به سن و وضعیت آن‌ها مورد حکم قرار می‌گیرد؛ بنابراین امکان استفاده از نهاد تعویق در جرائم حد و یا قصاص وجود ندارد.

۲- وجود جهات تخفیف: منظور از جهات تخفیف مذکور در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، مواردی است که در ماده ۳۸ همان قانون ذکر گردیده است

۳- پیش‌بینی اصلاح مرتکب: پیش‌بینی زمینه اصلاح‌پذیری نوجوان امری است که باید توسط قاضی محرز شود. شرایط خانوادگی و انگیزه ارتکاب جرم در این خصوص می‌تواند مؤثر باشد.

۴- جبران ضرر و زیان و یا برقراری ترتیبات اجرای آن: جبران خساراتی که در نتیجه جرم بر بزه دیده وارد می‌آید، یکی از اهداف مهم حقوق کیفری به شمار می‌رود؛ بنابراین حقوق شاکی در مورد تعویق نباید زیر پا گذاشته شود. طبق بند (پ) از ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط استفاده از تعویق، جبران خسارات بزه دیده است.

۵- فقدان سابقه کیفری مؤثر: داشتن سابقه کیفری، مبین این معناست که کودک و یا نوجوان تمایل بیشتری برای ارتکاب به جرم دارد و اگر تحت درمان و اصلاح قرار نگیرد، در آینده تبدیل به بزه‌کار خطرناک خواهد شد. مسلماً تعویق صدور حکم راه حل مناسبی برای این نوع کودکان معارض با قانون نیست. به همین خاطر قانون مجازات اسلامی در بند (ت) ماده ۴۰ نداشتن سابقه کیفری مؤثر را شرط بهره‌مندی از تعویق دانسته است.

گفتار دوم: تعلیق اجرای پاسخ‌ها

«تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب دیگری نگردد و از دستورهای دادگاه در این مدت تبعیت کند، محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد»^۴.

۱- اسناد بین‌المللی

قواعد و اسناد بین‌المللی که غالباً تأکید بر عدم استفاده از مجازات سالب آزادی دارند، تعویق و تعلیق صدور حکم را به عنوان جایگزینی مطلوب برای جلوگیری از رواج حبس به کشورهای جهان پیشنهاد می‌دهند. به عنوان مثال در قواعد

۴. توضیحات بیشتر بنگرید به: محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ بیستم، پاییز ۸۸، ص ۲۴۰.

استاندارد حداقل در زمینه تدابیر غیر سالب آزادی که به قواعد توکیو معروف است، پیشنهاد شده چنانچه اجرای مجازات خصوصاً حبس به مصلحت جامعه نباشد، آزادی متهم به صواب نزدیک تر است.^۵

۲- قانون مجازات اسلامی

به دستور ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی اجرای مجازات در خصوص کودکان و نوجوانان را در صورت دارا بودن شرایط لازم، می توان معلق کرد.

تعلیق اجرای مجازات به دو گونه ساده و مراقبتی در قانون آمده است. در تعلیق ساده دستور و تکلیفی بر دوش مجرم بار نمی شود و وی بدون داشتن تعهدی دوران تعلیق را که بر اساس ماده ۴۶ از یکتا پنج سال است سپری می کند.

تعلیق مراقبتی عبارت است معلق کردن مشروط مجازات مجرمین در طول دوره خاصی که تحت نظارت درمی آیند و به صورت فردی یا ارشادی درمان می شوند.^۶ بنابراین قاضی دادگاه اطفال می تواند طفل را به اجرای یک یا چند مورد از دستورات ماده ۴۳ متعهد سازد.

مبحث دوم: جایگزین های بازپرورانه

این پاسخ ها شامل سپردن به خانواده، سپردن به افراد مورد اعتماد، پاسخ های شفاهی و خدمات عمومی رایگان می شود.

گفتار اول: سپردن طفل به خانواده

قاضی دادگاه اطفال در مقام اجرای این روش با احضار والدین و یا سرپرستان طفل، آنها را متوجه غفلت و بی توجهی شان نسبت به کودک می کند و لزوم مراقبت و اهتمام در آموزش و پرورش و تربیت طفل را به آنان گوشزد می نماید.

اگر کودک بتواند رابطه عاشقانه ای با پدر و مادر خود برقرار کند، ثبات لازم برای زندگی جدا از بزهکاری را به دست می آورد؛ به عبارت دیگر رفتار پدر و مادر عایقی برای عملکرد نامناسب کودک محسوب می شود. عشق و نظم انضباط و رفتار توأم با آموزش، خصوصاً اگر از طرف مادر باشد هویت جدیدی به کودک می بخشد.^۷

۱- اسناد بین المللی

⁵ See: Tokyo Rules, Article 5-1 and Article 8-2.

توضیحات بیشتر بنگرید به: کواشی هامایی و دیگران، تعلیق مراقبتی در دنیا ترجمه حسین آقایی نیا، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

⁷ See: Robert L Bing, Home is the Hurt is: Child Abuse and Delinquency, Praeger, 2007, p33.

در مقررات سازمان ملل متحد به نهاد خانواده به عنوان اولین محیطی که هر انسان در آن به تکامل می‌رسد، ارج نهاد می‌شود. طبق بند یک ماده ۱۰ عهدنامه بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، از خانواده تحت عنوان واحد گروهی طبیعی و بنیادین در اجتماع نام برده شده است. از این رو جدایی والدین از فرزندان باید به عنوان آخرین راه در خصوص اطفال معارض با قانون استفاده شود، مثلاً در جایی که کودک در محیط خانواده مورد آزار یا سوءاستفاده قرار می‌گیرد.^۸ کلیه جوامع باید اولویت درجه اول خود را به نیازهای خانواده معطوف کنند.^۹

۲- قانون مجازات اسلامی

قانون گذار سال ۱۳۹۲ بر اساس مزایایی که ذکر شد، سپردن طفل به خانواده را به عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی در بند (الف) ماده ۸۸ انتخاب کرده است. بر اساس همین ماده سپردن طفل به خانواده دارای سه شرط است:

اول آنکه سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم نه تا پانزده سال شمسی باشد؛ و از آنجایی که ماده مطلق بیان شده، فرقی بین دختر و پسر نیست. علاوه بر این نه تنها در ماده ۸۸ قانون بلکه در فصل دهم قانون مجازات اسلامی، غالباً سال شمسی مدنظر است.

دوم آنکه جرم ارتکاب یافته تعزیری باشد. هر چند که قانون گذار در قسمت اول ماده ۸۸، تعزیری بودن جرم را یکی از شرایط صدور حکم مبنی بر سپردن طفل به خانواده اعلام داشته است، اما طبق تبصره دوم همان ماده بیان می‌دارد: «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم حد یا قصاص شود، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود. در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنان اتخاذ می‌گردد». بنابراین امکان استفاده از این پاسخ در مورد جرائم حد و یا قصاص نیز وجود دارد.

سوم آنکه خانواده طفل یا دیگر سرپرستان قانونی او به پرورش و حمایت از این کودکان تعهد دهند. بر همین اساس است که در تبصره ذیل بند یک ماده ۸۸، به دادگاه این اختیار داده می‌شود که تا سرپرستان طفل را به انجام اموری مانند معرفی طفل به روانشناس و یا جلوگیری از رفت و آمد طفل با اشخاص خاص یا اماکن خاص و فرستادن طفل به موسسه‌ای خاص جهت تحصیل و حرفه‌آموزی متعهد کند. این تدابیر می‌تواند بسیار مفید و مؤثر واقع شوند اما چون هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در خصوص حسن انجام این تعهدات وجود ندارد، ممکن است در اثر سهل انگاری سرپرست، کودک بار دیگر گرفتار بزهکاری گردد.

⁸. Beijing Rules, Article 18 and Commentary.

⁹. See: Riyadh Rules Article 11.

بر اساس تبصره مذکور برخی تکالیف والدین جنبه بازپرورانه دارند و برخی دیگر دارای ابعاد توانگیرانه هستند. تکالیف بازپرورانه شامل آن دسته از اقداماتی است که به کارگیری آن زمینه رشد شخصیت کودک را فراهم می‌کند. اقدامات بازپرورانه به اشکال پزشکی، فرهنگی صورت می‌پذیرد.

در بازپروری پزشکی، بهبود وضعیت روانی و یا جسمانی کودک مدنظر است. قانون‌گذار ایران در تبصره ذیل بند الف ماده ۸۸ تعدادی از این اقدامات بازپرورانه پزشکی را نام برده است: معرفی طفل و یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنها و اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک که در بندهای ۱ و ۳ ذکر شده‌اند، مصادیقی از اقدامات بازپرورانه پزشکی هستند.

اقدامات بازپرورانه فرهنگی، مجموعه تدابیری است که به منظور بالا بردن سطح فرهنگی کودکان و نوجوانان و آشنایی با آموزه‌های تربیتی و فرهنگی اتخاذ می‌شود. به عبارت دیگر بازسازی فرآیند تربیتی کودک را اقدامات فرهنگی می‌نامند. برای آشنا ساختن طفل با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، قانون‌گذار تعدادی از این اقدامات فرهنگی را پیش‌بینی کرده است. به عنوان مثال «فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل و یا حرفه‌آموزی» که در بند دوم ماده ۸۸ ذکر شده، یکی از همین نوع اقدامات است.

سازمان ملل متحد به اقدامات بازپرورانه فرهنگی توجه خاص مبذول داشته است. کنوانسیون حقوق کودک، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین رفتار مناسب با کودکان و ایجاد مؤسسات و کلاس‌های آموزشی و حرفه‌ای برای اطفال بزهکار را یکی از وظایف اصلی دولت برمی‌شمرد^{۱۰}. بهتر است در کلیه مراحل دادرسی اقدامات بازپرورانه جهت رفاه حال کودک در نظر گرفته شود. اقداماتی از قبیل آموزش و پرورش اشتغال به حرفه‌ای معین^{۱۱}.

در کنار اقدامات بازپرورانه‌ای که در قسمت بالا ذکر شد، قانون‌گذار یک سری اقدامات توان‌گیرانه را نیز در قانون پیش‌بینی کرد و رهگذر بندهای ۵ و ۴ ماده ۸۸، خانواده را ملزم نموده که از رفت و آمد طفل به محل‌های معین و از معاشرت وی با افراد معلوم‌الحال، جلوگیری به عمل آورد. اقدامات توان‌گیر به این خاطر پیش‌بینی شده که غالباً معاشرت کودکان با باندهای خلافکاری و یا به اصطلاح دوستان ناباب، عامل مهمی در بزهکاری طفل محسوب می‌شود؛ بنابراین قانون‌گذار برای از بین بردن منشأ بزهکاری، والدین را ملزم می‌نماید تا رفت و آمد کودک را کنترل نمایند^{۱۲}.

متأسفانه قانون‌گذار برای حسن اجرای این تکالیف از سوی والدین، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در نظر نگرفته است؛ بنابراین بهتر بود این تعهد با وجه التزام همراه باشد تا در صورت هرگونه تخلفی با خانواده خاطی برخورد مناسب شود. تنها

^{۱۰}. Convention on the Rights of child, Article 40.

^{۱۱}. Beijing Rules, Article 24-1.

^{۱۲}. توضیحات بیشتر بنگرید به: امیرحسین نیازپور، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳، صص ۱۶۴-۱۶۳.

امری که می‌تواند موجب اطمینان خاطر از حسن انجام تعهدات باشد، مقررهای است که در تبصره ۳ ماده ۸۸ بیان گردیده. طبق این تبصره قانون‌گذار می‌تواند با توجه به گزارش مددکار اجتماعی، هرچند بار که به مصلحت باشد در خصوص سپردن طفل به خانواده و یا سپردن طفل به افراد مورد اعتماد تجدیدنظر نماید.

گفتار دوم: سپردن به اشخاص دیگر غیر از خانواده

در این روش پس از احراز ناپاک بودن خانواده طفل معارض با قانون، محیطی عاری از خلافتکاری را برای وی انتخاب می‌کنند تا از یک سو نیازهای عاطفی‌اش برطرف شود و از سوی دیگر برای زندگی شرافتمندانه در جامعه آمادگی پیدا کند. همچنین این روش برای کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست محروم از خانواده، روش بسیار مؤثری است. انتخاب خانواده و اشخاص مورد اعتماد در این خصوص کار ساده‌ای نیست و با توجه به سن، جنس، موقعیت اجتماعی و دین و مذهب طفل ممکن است متفاوت باشد.

۱- اسناد سازمان ملل متحد

قواعد یکن بر حضور طفل در خانواده تأکید فراوان دارد اما درجایی که ممکن است طفل در محیط خانواده تحت آزار و اذیت جسمی و روانی قرار بگیرد و یا اینکه خانواده دچار انحطاط اخلاقی است، سپردن طفل را به آن‌ها به مصلحت نمی‌داند^{۱۳}؛ بنابراین می‌توان از یک خانواده جایگزین در این خصوص استفاده کرد. بر اساس قواعد ریاض نیز در زمانی که کودک در یک خانواده آشفته به سر می‌برد و کمک‌های دولت برای نجات خانواده از منجلا، به شکست می‌انجامد، بهتر است کودک در محیطی غیر از خانواده اصلی خود قرار بگیرد که از یک سو حس تعلق خاطر به انسان‌های ارزشمند را داشته باشد و از سوی دیگر داشتن یک خانواده آرام را نیز تجربه کند^{۱۴}.

۲- قانون مجازات اسلامی

طبق بند (ب) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند به‌عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی ذکر شده است. صدور این حکم برای طفل دارای شرایطی است:

اول اینکه این اقدام تأمینی و تربیتی برای اطفال نه تا پانزده سال شمسی می‌تواند مورد حکم قرار بگیرد که در این خصوص فرقی میان دختر و پسر نیست. ثانیاً همان‌طور که در صدر ماده ۸۸ ذکر شده، در مورد جرائم تعزیری کودکان و نوجوانان می‌توان از این روش بهره جست؛ اما همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد ماده ۹۱ قانون فوق‌الاشعار، در مورد جرائم حدود و قصاص اگر طفل ماهیت جرم ارتکاب یافته را درک نکند، در مورد وی اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین امکان استفاده از این روش در جرائم حدود قصاص با رعایت ماده ۹۱ قانون وجود دارد. ثالثاً باید طبق ماده

13. Beijing Rules Article 18-2 and Commentary.

14. Riadh Rules, Article 14.

۱۱۷۳ قانون مدنی، انحطاط اخلاقی والدین برای دادگاه ثابت شود تا بتواند رأی به تسلیم طفل به اشخاص داوطلب بدهد. رابعاً سپردن طفل به خانواده‌ای غیر خانواده اصلی خودشان، منوط به قبول آنهاست. به همین خاطر است که تبصره ماده ۸۸ قانون اعلام می‌دارد: «تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنهاست».

چیزی که در ماده ۸۸ در خصوص تسلیم طفل به اشخاص داوطلب بسیار جالب است، ذکر عنوان اشخاص حقوقی در کنار اشخاص حقیقی است. بند (ب) ماده مذکور اعلام می‌دارد: «تسلیم به اشخاص حقیقی و یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند...» ولی آیا امکان تسلیم طفل به اشخاص حقوقی بر اساس آموزهای حقوق تجارت وجود دارد؟

اگر منظور از اشخاص حقوقی، مؤسسات عام‌المنفعه‌ای باشد در خصوص کودک فعالیت می‌کند، پاسخ به سؤال بالا مثبت است. بهتر بود قانون‌گذار به‌طور کامل در این خصوص ارائه طریق می‌داد که به چه صورت یک شخصیت حقوقی می‌تواند درصدد اصلاح و تربیت طفل معارض با قانون برآید. علاوه بر این امکانات قوه قضاییه ایران پاسخگوی به کارگیری اقدام مزبور نیست. اینکه این‌گونه خانواده‌ها را چگونه می‌توان پیدا کرد جای سؤال است و قانون‌گذار به آن پاسخ صحیحی نداده است. به‌طور کلی بهتر است کسانی که قصد نگهداری از اطفال معارض با قانون را دارند، مشخصات دقیق خود را به انجمن‌های خیریه، مثل انجمن حمایت از کودکان و یا اداره مددکاران دادگستری، اداره سرپرستی و یا دفتر دادگاه اعلام کنند و دادگاه پس از بررسی دقیق خانواده‌ها و یا اشخاص آنها را انتخاب کنند.^{۱۵}

گفتار سوم: مجازات شفاهی

در این روش قاضی وجه ناشایست عمل ارتكابی را به طفل گوشزد کرده و یا اینکه با اخطار به وی از او تعهدی مبنی بر عدم تکرار افعال ناپسند می‌گیرد. توییح قاضی در خصوص جرائم کم‌اهمیت تر می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

۱- اسناد بین‌المللی

مقررات بین‌المللی کفیری در خصوص کودکان و نوجوانان، به‌طور صریح به مجازات شفاهی اشاره نکرده‌اند اما از آنجایی که این اسناد برخی از اصول کلی را به‌عنوان رهنمود و نقشه راه بیان داشته‌اند (اصولی مانند تناسب جرم، رعایت مصلحت طفل و عدم استفاده از مجازات بدنی و سالب آزادی)، بنابراین مجازات شفاهی هم با توجه به اینکه با اصول کلی پیش‌گفته هماهنگی کامل دارد می‌تواند یک اقدام مناسب در خصوص اطفال معارض با قانون محسوب شود. مقررات پکن هم بانام بردن از احکامی تحت عنوان احکام ارشادی مهر تأییدی بر این ادعا زده است. علاوه بر این ماده ۲-۸ قواعد توکیو (حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی) در بند اول به مجازات شفاهی اشاره نموده است.

^{۱۵} توضیحات بیشتر بنگرید به: تاج زمان دانش، دادرسی‌های اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱.

۲- قانون مجازات اسلامی

مجازات شفاهی، آن‌چنان‌که در بندهای (پ) و (ت) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است، شامل نصیحت قضایی، اخطار و تذکر و اخذ تعهد کتبی می‌شود.

الف- نصیحت قضایی

این روش که به آن توصیه‌های قضایی هم گفته می‌شود، یکی از پاسخ‌های غیر سالب آزادی محسوب می‌شود و از رهگذر آن قاضی دادگاه اطفال موظف می‌شود تا با آشنا ساختن طفل با ارزش‌های جامعه، قبح عمل ارتكابی را به آنان یادآور شود و در ادامه به وسیله نصیحت کردن، این گروه را از تکرار جرم بازدارد.

نصیحت توسط قاضی دارای شرایطی است:

اول اینکه در خصوص کودکان و نوجوانانی می‌توان از این روش بهره جست که در هنگام ارتكاب جرم نه تا پانزده سال داشته باشند. دوم آنکه جرم ارتكاب یافته از نوع تعزیری باشد؛ اما قانون‌گذار در تبصره دوم ماده ۸۸، امکان استفاده از روش نصیحت قضایی در خصوص جرائم حد و یا قصاص را تشریح کرده. طبق این مصوبه «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم مستوجب حد یا قصاص گردد در صورتی که دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اعمال می‌شود». همان‌طور که مشاهده می‌شود قانون‌گذار در این قسمت سال قمری را جهت محاسبه سن کودک پیشنهاد می‌کند که این امر نشان‌دهنده سیاست متضاد قانون‌گذاران است. بهتر بود در اینجا هم همچون بقیه مواد قانونی، سن شمسی ملاک محاسبه قرار می‌گرفت.

ب- اخطار و یادآوری قضایی

بر اساس این روش مقام قضایی به بزهکار اخطار می‌دهند که رفتار ارتكاب یافته توسط آن‌ها ناپسند و ناقض هنجارهای کیفری بوده است. بر اساس تبصره یک ماده ۸۸ اتخاذده این روش در خصوص اطفالی که سن آن‌ها بین دوازده تا پانزده سال است قابل اجراست.

در خصوص جرائم حد و یا قصاص با توجه به تبصره دوم ماده ۸۸ امکان استفاده از روش موصوف وجود دارد به شرطی که سن مرتکب در زمان ارتكاب جرم بین دوازده تا پانزده سال قمری باشد.

ج- گرفتن تعهد نوشتاری

گرفتن تعهد نوشتاری شیوه‌ای است که در پرتو آن، بزهکاران به سامانه عدالت کیفری تعهد می‌دهند که دیگر به سمت ارتكاب جرم نروند در واقع آنان متعهد می‌شود که دیگر به هنجارهای کیفری احترام بگذارند. از این رو پاسخ مذکور،

مرتکبان را بدون اینکه مشمول تدابیر سزا گرایانه و یا سالب آزادی گردند به سمت پیروی از الزام‌های کیفری دعوت می‌نماید (امیرحسین نیاز پور: ۱۵۶).

به موجب قسمت دوم بند (ت) ماده ۸۸ این شیوه برای کودکان و نوجوانانی که در هنگام ارتکاب جرم بین دوازده تا پانزده سال داشته باشند، پیش‌بینی شده است.

گفتار چهارم: انجام خدمات عمومی رایگان

اشتغال به کارهای عام‌المنفعه یک نوع محکومیت کیفری بدون پرداخت مزد محسوب می‌شود؛ البته گاهی برای پاداش حسن انجام کار مبلغی به کودک پرداخت می‌شود تا احساس غرور کرده و مزایای کار شرافتمندانه را درک کند^{۱۶}. روش مذکور برای تقویت اراده طفل و عادت دادن وی به نظم و انضباط و رعایت قوانین و مقررات و ایفای نقش اجتماعی و بالاخره پیشگیری از اثرات سوء مجازات سالب آزادی می‌تواند مؤثر باشد (تاج زمان دانش: ۱۸۶).

هدف اصلی از اجرای خدمات عام‌المنفعه به عنوان اقدام تأمینی و تربیتی، آن است که محرک‌های ضداجتماعی کودک به نوعی با جامعه سازگار شود. به عنوان مثال مجرم نوجوان مبارز و جنگ‌آور را باید به خدمت ارتش درآورد و یا اینکه شغلی را به او پیشنهاد نمود که پویایی لازم جهت ارضای نیازهای کنجکاوانه‌اش را داشته باشد. شرکت در فعالیت‌های اقتصادی برای نوجوانی که جویای ثروت است می‌تواند مثالی دیگر در این خصوص باشد^{۱۷}.

۱- اسناد بین‌المللی

اسناد و قواعد بین‌المللی متفق‌القول این نظر را دارند که خدمات عمومی رایگان می‌توان به عنوان جایگزین مناسبی برای زندان برای همه اقشار از جمله نوجوانان باشد. به عنوان مثال سمینار بین‌المللی کامپالادر خصوص شرایط زندان که در کامپالای اوگاندا تشکیل گردید، مزیت‌هایی برای این اقدام تأمینی و تربیتی بر شمرده است. کم‌هزینه بودن و امکان هدایت و اصلاح بیشتر مجرم از یک سو و دریافت درآمد از سوی دیگر، باعث افزایش رضایت‌مندی و دوستی مجرم با جامعه خواهد شد. علاوه بر این، یکی از ویژگی‌های مهم خدمات عام‌المنفعه نسبت به باقی اقدامات تأمینی و تربیتی آن است که کودک یا نوجوان می‌تواند با دستمزدی که احیاناً دریافت می‌دارد، خسارات وارده به بزه دیده را نیز جبران کند.

^{۱۶}. توضیحات بیشتر بنگرید به: تاج زمان دانش، الزام اطفال و نوجوانان بزه‌کار به اشتغال به کارهای عام‌المنفعه، مجله حقوقی شماره ۲۶، ص ۱۰.

^{۱۷}. توضیحات بیشتر بنگرید به: مهرانگیز منوچهریان، مسئله جرائم اطفال، انتشارات بهمن، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۱، ص ۴۱.

۲- قانون مجازات اسلامی

ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، خدمات عمومی رایگان را تعریف نموده است و همچنین ماده ۸۹ قانون مذکور این روش را در فهرست اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال قرار داده است. قاضی برای صدور حکم این چنینی، باید شرایطی را رعایت کند:

اول آنکه خود مجرم به انجام خدمات عمومی رایگان رضایت داشته باشد. در واقع قوانین کیفری تا حدی به سمت توافقی شدن پیش می‌رود؛ یکی از جلوه‌های توافقی شدن همین خدمات عمومی رایگان است که باید بین قاضی و مجرم اتفاق نظر در خصوص کار به وجود بیاید دوم آنکه بر اساس ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، صدور حکم به خدمات عمومی رایگان منوط است به آنکه سن مرتکب در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی باشد.

سوم آنکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد، قانون‌گذار نه تنها نوع جرم را در خصوص خدمات عمومی رایگان مشخص کرده، بلکه حتی درجه آن را به نظر قاضی واگذار نکرده است؛ به این معنا که استفاده از خدمات عمومی رایگان تنها برای جرائم تعزیری درجه پنج و شش قابل اجراست.

مبحث سوم: جایگزین‌های نا بازپرورانه

منظور آن دسته از اقداماتی است که قانون‌گذار ایرانی در سیاهه اقدامات تأمینی و تربیتی و به‌عنوان جایگزینی برای حبس در فصل دهم قانون ذکر کرده ولی در خصوص امکان بازپروری از رهگذر این گونه اقدامات باید بسی تأمل کرد. جریمه نقدی و دیه در این دسته جای می‌گیرند.

گفتار اول: جزای نقدی

جزای نقدی عبارت است از الزام مجرم به پرداخت مبلغی پول به دولت؛ بنابراین مجازات جزای نقدی با جبران و پرداخت غرامت به بزه دیده تفاوت آشکار دارد؛ زیرا جزای نقدی از جمله مجازات محسوب شده و تمامی ویژگی‌های کیفر را نیز دارد.^{۱۸}

۱- اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک صریحاً به جزای نقدی به‌عنوان یک اقدام تأمینی و تربیتی اشاره نکرده است، ولی قوانین پکن نگاهی گذار به آن داشته است. قوانین مذکور اقدامات متنوعی را برای اصلاح و بازپروری کودک و نوجوان معارض با قانون پیشنهاد می‌دهد. در قاعده ۱-۱۸ «مجازات مالی، جبران خسارت و پرداخت غرامت» به‌عنوان یکی از این اقدامات به چشم می‌خورد؛ اما به لحاظ اینکه عبارت پرداخت غرامت در انتهای این بند ذکر شده، این نتیجه حاصل

^{۱۸}. توضیحات بیشتر بنگرید به: محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴.

می‌شود که منظور از پرداخت، خسارت‌هایی است که به دلیل ارتکاب جرم به بزه دیده وارد شده است نه پرداخت مبلغی پول به دولت به‌عنوان مجازات. این موضوع را می‌توان از تفسیر قاعده مزبور فهمید. در تفسیر این قاعده ذکر شده است که انتخاب هر یک از اقدامات تأمینی و تربیتی باید بر اساس عرف و فرهنگ هر جامعه باشد و نمی‌توان اقدامات ذکر شده در قاعده را قهراً در مورد هر کشور اجرا کرد. در قواعد توکیو هم مجازات مالی در سیاهه جایگزین‌های حبس ذکر شده^{۱۹}.

۲- قانون مجازات اسلامی

قانون‌گذار ایرانی از رهگذر ماده ۸۹، جزای نقدی را به‌عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی ذکر کرده است. اینکه جزای نقدی چطور می‌تواند به اصلاح و درمان کودک و نوجوان کمک کند جای بسی تأمل دارد، خصوصاً اینکه محل پرداخت این‌گونه جرائم هم در قانون مبهم مانده است. در ماده ۸۹ میزان جزای نقدی با توجه به نوع جرم ارتكابی در نوسان است و با توجه به شدت و ضعف جرم ارتكابی، می‌توان میزان جزای نقدی را نیز تغییر داد. انتخاب جزای نقدی به‌عنوان اقدام تأمینی و تربیتی وابسته به شروطی است:

اول آنکه سن مرتکب در هنگام ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال باشد که در این خصوص فرقی میان دختر و پسر وجود ندارد. هرچند که بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، هر شخص با رسیدن به سن بلوغ، رشید محسوب می‌گردد؛ اما چون این ماده دارای تعارضاتی است که مشکلات بسیاری را در رویه به وجود آورده، محاکم قضایی و سایر ارگان‌های ذی‌ربط با توجه به سابقه تقنینی این ماده، همان سن ۱۸ سال تمام شمسی را به‌عنوان اماره رشد می‌شناسند؛ بنابراین کسی که به سن ۱۸ سال نرسیده رشید نیست و امکان دخل و تصرف در اموال خود را ندارد. (مگر اینکه قبل از این سن رشد او توسط مقام صلاحیت‌دار، اثبات گردد)^{۲۰}. با توجه به توضیحات گفته‌شده، چگونه می‌توان یک نوجوان غیر رشید که امکان تصرف در اموالش را ندارد، به جزای نقدی محکوم کرد؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان به ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مراجعه کرد. «در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است ولی اداء آن از مال طفل، بر عهده ولی طفل است». هرچند که ماده در خصوص اتلاف مال دیگران است، اما می‌توان این نتیجه را گرفت که پس از صدور حکم به پرداخت مبلغی پول به‌عنوان جزای نقدی، خود طفل ضامن است اما پرداخت آن از مال طفل، به عهده ولی است. در این خصوص می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۲-۱۳۶۰/۱/۲۹ نیز اشاره داشت: «مطابق مواد ۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی، در صورتی که صغیر باعث ضرر به غیر شود، خود ضامن است و ولی او به دلیل عدم اهلیت صغیر، نماینده قانونی وی است؛ بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم‌به مالی، از اموال خود او استیفا خواهد شد. بنا به مراتب مرقوم رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است».

19. Tokyo Rules, Article 8-1.

۲۰. توضیحات بیشتر بنگرید به: سید حسین صفایی، مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰،

دوم آنکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد. هرچند که با توجه به ماده ۹۱ قانون، امکان استفاده از مجازات جزای نقدی در خصوص جرائم حد و قصاص هم وجود دارد.

گفتار دوم: دیه

در خصوص دیه که ماهیتی دوگانه دارد و هم به نوعی مجازات محسوب می شود و هم جبران ضرر و زیان ناشی جرم را می کند، ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی پاسخ های سازشی و ترمیمی را پیشنهاد می نماید که جنبه فقهی نیز دارند. بر اساس این ماده: «در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه و یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می نماید». منظور از این ماده جنایات خطای محض است که دربند (ب) ماده ۲۹۲ به آن اشاره شده است. طبق این ماده جنایاتی که به وسیله مجنون و یا صغیر ارتکاب بیابد، خطای محض تلقی می شود. بدیهی است منظور قانون گذار از صغیر، با توجه به پیشینه فقهی این مقرره، کودکان در زیر سن بلوغ است یعنی اگر دختری که به سن نه سال تمام قمری نرسیده و پسری که به سن پانزده سال تمام قمری نرسیده است مرتکب جنایتی شود، در صورت احراز سایر شرایط، عاقله مسئول پرداخت دیه است.

وجود نهاد عاقله در حقوق ایران با کمی ابهام روبه روست. این نهاد در جوامعی پر کاربرد است که به صورت قبیله ای اداره می شوند. مسئول نمودن عاقله در پرداخت دیه، مخالف اصل شخصی بودن مجازات است. برخی در خصوص امکان برقراری قواعد مربوط به عاقله در حقوق ایران نظر داده اند که نهاد عاقله مانند عقد بیمه است. همان طوری که در عقد بیمه، بیمه گر تعهد می نماید که در صورت بروز خسارت، مبلغی را به بیمه گذار بدهد، در خصوص نهاد عاقله هم وضع به همین ترتیب است^{۱۱}؛ اما در پاسخ باید گفت، بیمه عقد است و دو طرف عقد به ایجاد آن رضایت دارند. در صورتی که در مورد نهاد عاقله این گونه نیست. اصلاً از ابتدا عقدی صورت نگرفته و تعهدی به وجود نیامده که عاقله خود را مسئول پرداخت خسارت بداند. این نوع تعهدات در نظام قبیله ای عربستان کاربرد دارد که هر قبیله وظیفه دارد تا پای جان در راه اعضای قبیله خود کوشش کنند نه جامعه ایرانی که از این گونه استحکامات قبیله ای را بی نصیب مانده است.

^{۱۱}. توضیحات بیشتر بنگرید به: ناصر مکارم شیرازی، احکام و فلسفه دیات در اسلام، مجله مکتب اسلام، سال ۲۶، شماره ۸، ص ۱۷.

نتیجه گیری

قانون مجازات اسلامی تمام جهد خود را در جهت مقارن سازی با آموزه‌های بین‌المللی مصروف داشته است؛ اما باین همه این نظام نوپا کاستی‌هایی نیز دارد، از جمله آنکه قانون مذکور از روش‌های کیفری محض در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار بهره جسته است این در حالی است که مطابق اسناد بین‌المللی توسل به شیوه‌های کیفری هرچند که با اهداف مجازات در تطابق است، اما روش مناسبی در پاسخ‌دهی به اطفال بزهکار نیست. بهتر بود به جای فرستادن طفل به دادگاه، طبق آموزه‌های بین‌المللی، آژانس‌هایی به وجود آید تا در جهت اصلاح و پیشگیری از جرم کودکان و نوجوانان فعالیت داشته باشند. امروزه که بحث از عدالت ترمیمی، به بحث روز دنیا تبدیل شده، بهتر بود تشریک مساعی بزهکار و بزه دیده برای ترمیم آثار زیان‌بار جرم، جزئی از فهرست اقدامات تأمینی و تربیتی جایگزین حبس اطفال و نوجوان قرار بگیرد؛ اما قانون‌گذار این موضوع را تنها شرطی جهت اهدای تعلیق مجازات و یا تعویق صدور حکم دانسته است. قوه قضاییه ایران، ظرفیت اجرای برخی از اقدامات فصل دهم را ندارد؛ به عنوان مثال، همان‌طور که در فصول مربوطه ذکر گردید، سازوکار سپردن طفل به خانواده‌های مورد اعتماد در قانون پیش‌بینی نشده است. ضمن اینکه ذکر عنوان اشخاص حقوقی در کنار اشخاص حقیقی، این موضوع را پیچیده‌تر کرده است.

- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ بیستم، پاییز ۱۳۸۸.
- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.
- صفایی، حسین، قاسم‌زاده، مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
- منوچهریان، مهرانگیز، مسئله بزهکاری اطفال، انتشارات بهمن، تهران، ۱۳۴۱.
- نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳.
- هامایی، کواشی و دیگران، تعلیق مراقبتی در دنیا ترجمه حسین آقایی‌نیا، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷.
- دانش، تاج زمان، الزام اطفال و نوجوانان بزهکار به اشتغال به کارهای عام‌المنفعه، مجله حقوقی، شماره ۲۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، احکام و فلسفه دیات، مجله مکتب اسلام، سال بیست و ششم، شماره ۸.
- Bing, Robert, Home is the Hurt is: Child Abuse and Delinquency, Praeger, 2007.
- Convention On the Rights of the Child, 1989 and its translation.
- International Covent on Economic, Social and Cultural Right, 1996 and its translation.
- U.N. Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, 1990.
- U.N. Standard Minimums Rules for the Administration of Juvenil Justic.
- U.N. Standard Minimums Rules for Non-custodial Measure, 1990 and its translation.